

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس بکتابخانه چهارم ۱۳۱۵ #

فهرست مطالب

- |   |   |
|---|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس                                       | (۵) تصویب سه فقره سرشماری   |
| (۲) شور اول لایحه واگذاری امتیاز قطب شرکت امریکایی        | (۶) شور اول بکتابخانه استاز لایحه واگذاری امتیاز لوله کشی شرکت آمریکایی |
| (۳) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر ماب              | (۷) اعلام اسامی اعضاء منتهی برای دیوان محاسبات                          |
| (۴) انتخاب بیست و چهار نفر برای تعیین اعضاء دیوان محاسبات | (۸) موقع و دستور جلسه - چه ختم جلسه                                     |

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای استندبازی تشکیل گردید)

صورت مجلس بکتابخانه ۲۷ دیماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ##

- (۱- تصویب صورت مجلس)
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد  
خیر) صورت مجلس تصویب شد
- (۲- شور اول لایحه واگذاری امتیاز لوله کشی به کمپانی امریکایی)
- رئیس - شور اول لایحه امتیاز لوله کشی مطرح است.  
مذاکره در کلیات است. مخالفی نیست؟ (گفته شد - خیر)  
رأی گرفته میشود به ورود در شور مواد. موافقین قیام فرمایند.
- (اکثر برخاستند)
- رئیس - تصویب شد خبر کمیسیون و ماده اول قرائت می شود.
- (شرح ذیل قرائت شد)
- خبر از کمیسیون: و نهادهای بودجه و اقتصاد ملی و امور خارجه به مجلس شورای ملی
- کمیسیون بودجه با مشارکت کمیسیونهای اقتصاد و امور خارجه و با حضور آقای وزیر مالیه تشکیل و لایحه نمره ۱۳۲۶ دولت و ارجاع با امتیاز استخراج نفت فومنی از شرق و شمال شرقی ایران و امتیاز لوله کشی برای حمل نفت را بشرکت

## عین مذاکرات مشروح هفتاد و هشتمین جلسه از دوره دهم فصلنامه (شماره ۸ آذر ۱۳۱۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

## اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

فائزین با اجازه - آقایان: اردبیلی، قنوجن - منعم سنک.

فائزین بی اجازه: آقایان: مهمل، حویانی، سرآت استندبازی، دیر سهرابی، دکتر ملک زاده - پارسا.

دیر آمده گن بی اجازه: آقایان: نوانا، دکتر ادم، نیک پور، وکیلی، منصف، دکتر سببی، لیلوانی، یان

امریکائی مطرح و تحت شور و مذاقه فرار داده پس از اصلاحات لازمه در مواد امتیاز نامه ها با لایحه پیشنهادی دولت موافقت حاصل کرده اینک خبر آن برای شور اول تقدیم میشود:

ماده اول - دولت بر طبق مقررات این امتیاز در حوزه امتیاز برای تقنینی و تفحص و جستجو و کسانه زدن و استخراج نفت حق انحصاری بشرکت میدهد و به علاوه تمام خاک ایران حق غیر انحصاری حمل و تصفیه نفت و به عمل آوردن آن بر طرفی که آن را قابل تجارت کند و ابار کردن و فروختن نفت در ایران و صادر کردن آن را بشرکت اعطاء مینماید.

**کامله** (مخبر کویون اقتصاد) - در خبر کویون اشاره شده بود باینکه اصلاحاتی شده است خواستم تذکراً عرض کنم که منظور از اصلاحات اصلاحات مبارکی بوده است که در نتیجه ترجه و مواظراتی که شد به عمل آمد و از لحاظ دیگری بوده است و در اصل لایحه به هیچوجه تغییراتی داده نشده.

**ولیس** - ماده دوم قرائت میشود:

( به مضمون ذیل خوانده شد )

ماده دوم

الف - در ظرف سه سال اول بعد از تاریخ تصویب شرکت در حدود مساحتی که در نقشه امضاء شده منتم باین قرار داد با رنگ تعیین شده است بطور غیر انحصاری حق تقنینی و تفحص و جستجو و کسانه زدن برای پیدا کردن نفت را دارد

ب - منتهی تا آخر سال سوم بعد از تاریخ تصویب شرکت باید دو ولایت از ولایات شرق و با شمال شرق واقع در حوزه ای که در نقشه مذکور در بند (الف) معین شده و حدود ولایات مربوطه در آن نقشه با رنگ مشخص گردیده انتخاب نماید.

شرکت وزارت مایله و در تهران از انتخابیکه نموده است کتباً متعوض خواهد داشت.

ج - شرکت باید منتهی تا آخر سال نهم بعد از تاریخ تصویب در دو ولایت مذکور در بند (ب) یک یا چند قطعه زمین بهر مساحت و وسیعی که میخواهد انتخاب نماید.

مجموع مساحت قطعه یا قطعاتی که باین ترتیب انتخاب میشود نباید بیش از یکصد هزار میل مربع انگلیسی باشد و در هر صورت مساحت مذکور نباید از حدود دو ولایتی که شرکت انتخاب کرده تجاوز کند ( هر میل ساده مطابق است با یک هزار و شصت و نه متر ) شرکت دولت را از اقلقه و یا یک قطعه که بشرح فوق انتخاب کرده است کتباً مطلع خواهد نمود و بهر اطلاعاتنامه نقشه ها و اطلاعات لازم برای تفحص و تعدید قطعه یا قطعات منتظره باید ضمیمه شود.

د - بعد از انتخاب دو ولایت مذکور در بند (ب) و تا انتخاب یکصد هزار میل مربع حوزه امتیاز عبارت از مجموع دو ولایتی است که انتخاب شده است و بعد از آنکه یک یا چند قطعه مذکور در بند (ج) انتخاب گردیده حوزه امتیاز عبارت از مساحت قطعه یا قطعاتی خواهد بود که بنحو مذکور در فوق انتخاب شده و دولت نیز بشرتی که ذکر شد از انتخاب آن اطلاع حاصل نموده است.

**ولیس** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - در این ماده مینویسد آن حدودی که در نقشه اولیه معین شده این ولایات وارد آن حدود امتیاز نیست می خواستم همینقدر توضیح بفرمایند اگر بعد از انتخاب این نقاط در حدود ولایتهائی شد که یک مقدارش در حدود نقشه است آنوقت کمان میکند در حدود همان خطی است که در این نقشه تعیین شده و بهمان مقدار خواهد بود.

**وزیر مایله** - نمایندة محترم در خارج هم این سوالها را کردند و بنده گفتم ممکن است در مجلس توضیح بخواهند که جواب عرض کنم . بنده درست دانستم حتمن که مقصودشان چیست و روی نقشه که تعیین میکنیم در آن قسمتی که در حدود این نقشه است باید این دو ولایت انتخاب شود

این نقشه طوری است که در بعضی قسمتها از وسط بگذرد با یک قسمت از یک ولایت قسمت دیگر از ولایت دیگر مثلاً در کرمان از یک قسمت - بگذرد و یک قسمت خارج است مقصودشان این است که آیا وقتی خواستند در ولایت را انتخاب کنند بطوریکه در امتیاز ذکر شده است بشود یکی از ولایاتی که انتخاب کرده است تمام این ولایت جزوئی باشد یا فقط آن قسمتی که جزء این حوزه خواهد بود - البته آن قسمتی است که در جزو این امتیاز است و در طرف شرقی این خط است فقط آن قسمت است سؤال ایشان را بنده مفید بودم که در مجلس رسمی بشود و بنده توضیح بدم که فقط آن قسمتی که در طرف شرقی این خط واقع است آن قسمت را مینمایند انتخاب کنند بیاباره آخری اگر خواستند یک تکه را انتخاب کنند که نصف یک ولایت است که نصفش در یک طرف خط است و نصفش در طرف دیگر فقط آن نصفه را که طرف شرقی خط است باید انتخاب کنند.

**ولیس** - ماده سوم قرائت میشود

( باین مضمون خوانده شد )

ماده سوم

منتهی تا ششماه بعد از تاریخ تصویب - شرکت تقنینیات ممرات الارضی و ژئوفیزیک و جغرافیائی خود را برای انتخاب دو ولایت مذکور در بند (ب) از ماده (۲) تعیین خطی که چاههای امتحانی در آن نقاط باید حفر شود شروع خواهد کرد.

تقنینیات مزبور بدون وقفه می رچ تا انتخاب دو ولایت فوق الذکر و با صرف نظر کردن از امتیاز ( بطوریکه در ماده ۲۴ این قرارداد ذکر شده ) ادامه خواهد داشت.

**ولیس** - ماده چهارم قرائت میشود:

( بشرح آتی قرائت شد )

ماده چهارم

الف - قبل از انقضای مهله ماه از تاریخ تصویب شرکت شروع خواهد کرد که لا اقل یک دستگاه حفاری

برای حفار چاههای امتحانی بکار بیندازد و قبل از انقضای پنجسال از تاریخ تصویب لا اقل باید سه دستگاه حفاری بدون وقفه بیاورد و دائماً مشغول کار باشد تا چاهها بمعنی که مناسب با تحصیل نفت باشد برسد.

ب - هر یک از چاههای امتحانی باید لا اقل ناعدی یک هزار متر ( ۱۰۰۰ متر ) حفار کرد مگر اینکه در بعضی کتری به نفع قابل استفاده برسد ( تفحص این موضوع بنظر شرکت است ) و با آنکه در زمین ششسان شرکت مسلم شود که نفت قابل استفاده در آن نقطه وجود ندارد.

ج - چنانچه مملک شود نفت قابل تجارت ممکن است استخراج گردد باید عدد دستگاههای حفاری لا اقل بشش دستگاه رسیده و عملیات بدون وقفه تعقیب شود تا آنکه ذخیره قابل و مهمی از نفت تهیه و با از امتیاز صرف نظر کرد.

د - هر گاه شرکت طبق مقررات ماده (۳) و بند های (الف - ب - ج ) این ماده عمل ننماید دولت حق خواهد داشت بشرکت اغظار کند که مایل باین امتیاز میباشد و ششماه بعد از اتمام اغظاریه مزبور بشرکت این امتیاز ملحق و کان لم یکن خواهد بود.

ه - شرکت هر سه ماه گزارشی راجع بکار های مربوطه بحفر چاهها و عمق آنها و مقدار نفتی که از هر حفارتازه بدست آمده است بوزارت مایله در تهران خواهد داد . بهر گزارشی نقشه هائی ضمیمه خواهد شد که در آنها عمل چاههایی که مشغول حفر آنها میباشد و با چاههایی که در آن مدت متروک شده اند معین شده باشد.

و - شرکت تعهد مینماید در صورتیکه نفت بمقدار قابل تجارت در نتیجه حفاریات خود در حوزه امتیاز پیدا نماید نوسعه عملیات مزبور را با جدیت و حسن نیت بدون وقفه می وجه ادامه دهد بطوریکه استفاده تجاری از منابع نفت ممکن گردید و چنانچه استعداد منابع مکشفه در حوزه امتیاز اجازه دهد استخراج سالانه را لا اقل بشش میلیون تن برساند.

**رئیس** - آقای اعتبار  
**اعتبار** - اینجا راجع بکلمه بیوجه بنده عرض داشتم با اینکه در کمیسیون هم متذکر شد که مقصود از کلمه بیوجه بی جهت است ولی ممکن است غلبه آقایان نمایندگان محترم اشتباه کنند بکلمه بیجانی بودن... (بسی از نمایندگان - مذاکره با آقایان اشتباه نمیکند) این است که بنده خواستم آقای وزیر مالیه موافقت بفرمایند بنویسم بیجهت **ولیر مالیه** - بنده قبول نمیکند که آن آسیت بیسودی خدای نکرده بیک عده از نمایندگان بدهد آقایان هم حاضر نیستند معلوم است مقصود از بیوجه بجای نیست و غیر موافق است.

**رئیس** - ماده پنجم قرائت میشود:

(بدین هیچ قرائت شد)

ماده پنجم

شرکت حق غیر انحصاری ساختن و دارا بودن لوله های نفت را داشته و ابتدا و انتها و چای لوله های نفت و سایر مؤسسات و عدلیات خود را (با رعایت حقوقی که قبلاً بفرکت سهامی نفت انگلیس و ایران بموجب قرار داد مورخ بیست و نهم آوریل ۱۹۳۳ داده شده) تعیین می نماید.

**رئیس** - ماده ششم:

(اینطور خوانده شد)

ماده ششم

۱ - وجوهی که بموجب مقررات این قرار داد (علاوه بر وجوه مذکور در سایر مواد) باید از طرف شرکت بدولت تأدیبه شود بطرح ذیل است:

الف - حق الامتیاز سالانه مبلغ چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش می رسد و یا از ایران صادر بشود

ب - پرداخت مبلغی معادل بیست در صد منافع که سهام عادی شرکت مخیر می شود پس از وضع پرداخت مبلغی معادل پنج در صد سرمایه ای که از طرف شرکت

این ماده در موقع تقسیم منافع سهام عادی شرکت پرداخته خواهد شد.

۳ - در موقع انقضاء این امتیاز و همچنین در صورت ترك آن از طرف شرکت مطابق ماده ۲۹ شرکت مبلغ معادل بیست در صد (۲۰٪) از باقیهای ذیل را بدولت ایران تأدیبه خواهد کرد.

الف - از مجموع ذخایر شرکت در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز

ب - از مبلغ موجودی شرکت در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز

پرداخت وجوه لازم التأدیبه بدولت بر حسب این بند یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی شرکت که بعد از انقضاء یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت

۴ - دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوطه بمقررات این ماده را که منتهی تا ۲۸ آوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده میشود تقبیل و رسیدگی نماید

۵ - برای جلوگیری از امکان توجه شرر بدولت در موقع تغییر قیمت پول انگلیس طرفین بطرح ذیل توافق حاصل نمودند

الف - هرگاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ ۶ لیره استرلینگ (۶) در مقابل یک اونس روی (ounce troy) تجاوز نماید برای هر پنی (Penny) که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل یک اونس روی (Ounce troy) در روز پرداخت قیمت طلا طرفین نماید بر کلیه مبالغ لازم التأدیبه بدولت از طرف شرکت بموجب این قرار داد (باستانیاتی مبلغی که بر حسب جزو های ا ب و ۳ الف و ب) این ماده باید بدولت برسد) - میزان یک هزار و چهار صد و چهارم (1000) مبالغ مزبوره الزوده خواهد کردید.

ب - هرگاه موقعی دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا بیشای عمومی قیمتها و معاملات نسبت و طریق تأدیبه های مذکور در فوق تعدیلی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم ننمایند طرفین موافقت مینمایند

که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق ماده (۲۲) بحکمیت ارجاع خواهد شد و حکومت در صورتیکه قابل تشبیه تضمین مذکور در بند (الف) مذکور در فوق نبود شرابطی را که باید بااینضمین تضمین مزبور کرده معین و تاریخ اجرائی آنرا نیز معلوم خواهد نمود

۶ - هرگاه در پرداخت مبالغ لازم التأدیبه بدولت مطابق بندهای مقرر در این قرار داد اتفاقاً از ناحیه شرکت تأخیر بعمل آید برای معت تأخیر از قرار پنج در صد (۵٪) در سال فرع و چاره مزبوره را شرکت خواهد پرداخت.

**رئیس** - آقای اورنگ

**اورنگ** - بنده فقط در این ماده يك توضیحی بمطلب در اول این ماده در بند ب مینویسد (پرداخت مبلغی معادل بیست در صد منافع که سهام عادی شرکت توزیع میشود بدولت ایران داده میشود) (آئینت استثنائی در ذیل این ماده دارد که آن استثناء را من بیانم خواهم میکند يك توضیح بسطوطری بفرمایند که من بجهت نه آقایان

**لواء** - خیل مشکل است

**اورنگ** - آسان میشود

**ولیر مالیه** - بنده باید این را تصدیق کنم که البته يك قدری سابقه به موضوع لازم است برای اینکه مطلب روشن شود حالا بنده يك مثال برای آقایان مطلب را تشریح میکنم بیش از حدی که ضرورت داشته باشد. شرکت فرض بفرمایند يك مبلغی که ما در عالم فرض بگیریم ده میلیون لیره سرمایه بکار برده و يك مبلغ منافع خالصش بشود که باید صاحبان سهام عادی بدهد و مقصود از این ده میلیون لیره صاحبان سهام عادی را میگویم که به آنها باید از این منافع سهم بدهد فرض میکنم يك میلیون لیره منافع خالص باشد که بخواهند باین صاحبان سهام عادی بدهند. ده میلیون لیره که در این جا ما سرمایه برایش



تجاری که در این امتیاز نامه است کمال روشن باشد که در خارج سوه نفاهی در موضوع این سهام ممتازه نمود و چون در قانون سهام متنازه طور دیگری تعریف شده است این موضوع لازم است.

**فصل چهارم - در بیان موضوع است** همان طور که بیان شده عدم اظهار فرودند در سهام قانونی ما که البته با خیلی از سهام های مالک اروپائی یکی است سهام متنازه سهامی است که بلك امتیازی داشته باشد یا بلك رجحانی استنامه شرکت از برای آنها قائل شده باشد از جهت منافع یا از جهت دیگر بلك از آن جهت منافع باشد می آیند و می بینند و قرار می گیرند از این جهت منافع سایر سهام و سهام تقسیم شود اول از سهم بلك برده از تمام منافع بلك منقسم پنج درصد شش درصد و در صورت بلك چیزی آنها بدهند بلك دیگران بدهند اما در صورت آمریکائی و انگلیسی سهام متنازه بهرین شکل است که در این جا همین شده است و بنده در کتب بیرون هم این قسما توضیح داده است و آن عبارت از این است که از بلك جهت الزمه این سهام دارای امتیاز است برای اینکه بلك منافع را بطور قطع شرکت بیرون سهام و باید بلك بدهد از طرف دیگر حد آن منقسم هم همین شده است مثل اینکه ما در این جا نوشته سهامی شش پس باین ترتیب از بلك طرف می شود گشت این سهام دارای امتیازی می باشد اما از آن طرف هم می شود گشت که ذری بلك نفعی است اما امتیازی باین است که اگر بلك سال شرکت فقط باین فرود منت کرد که نوانست فقط سهامی شش آن ها را بدهد و دیگران چیزی ندهد یعنی بهر صاحبان سهام صاحبان سهام عادی چیزی ندهد و بلك است بلك مجبور است شرکت که باید و تمام منقسم که پرداخته بدهد به صاحبان سهام متنازه و بلك عیب در کساست در این جا است که اگر بلك سال شرکت منقسم بطوری بود که می توانست سهامی بیست به صاحبان سهام عادی بدهد آنوقت با بخواهد به صاحبان سهام متنازه پیش از سهامی شش بپردازد

(۶) بابت هرین نشانه اضافه بر تمام شش میلیون (۶۰۰۰۰۰۰) لیر - ذکر در فوق

ب - شرکت نهاد می نماید که بهائی که بر طبق بند مذکور در فوق تأدی به نماید هیچوقت در مدت شش سال دوم از تاریخ تصویب کتر از پنجاه هزار لیره (۵۰۰۰۰ لیره) به از تاریخ منبرود کتر از هفتاد و پنجاه لیره (۷۰۰۰۰) لیر نماید.

اولیت تأدی از بابت پرداخته مذکور در فوق بکمال تمام بعد از دبع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب به عمل خواهد آمد.

۲ - قبل از انقضای بیست و پنجمین سال از تاریخ تصویب طرفین نسبت بهرین بهائی که شرکت در ازای مطالبات کامل عملیات خود از هر گونه مالیات بطلع دولت و در شرایطی ها در بدهی مدت امتیاز باید بر دوازده نواقف نظر حاصل خواهد بود.

**فصل پنجم - ماده نهم قرأنا می شود:**

ماده نهم

الف - هر زمین باین منافع بدولت که شرکت برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت باشد مجازاً بخرکت و اکتدار خواهد شد طرفه تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود:

۱ - هر وقت فاعده ای از اراضی مذکوره مورد احتیاج شرکت واقع می شود باید شرکت بلك با چندین نقده ای که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آبیژی مشخص کرده باشد بوزار نماینده ارسال بدارد.

دولت در صورتی که اعتراض نداشته باشد متعهد می شود که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای شرکت موافقت خود را اظهار بدارد.

ب - اراضی دائره منقلى بدولت را که شرکت احتیاج پیدا می کند بطرفی که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل

تقاضای شرکت دائره بیرون آن اراضی اشعار خواهد داشت در صورتی که دولت اعتراض و احتیاجی بر اراضی مذکور نداشته باشد قیمت این اراضی را شرکت تأدی خواهد کرد. قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان صرف را داده و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

ج - در صورتیکه دولت در مقابل تقاضای پیش بینی شده در جزء های (الف و ب) مذکور در فوق جواب ندهد پس از انقضای ده ماه از تاریخ وصول تقاضای مزبور شرکت بذاکره نامه جدیدی بدولت خواهد ارائه داد و متنازه بذاکره نامه مزبور در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود بکسوت دولت بمنزله تصویب تلقی خواهد کرد.

د - اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای شرکت لازم باشد با اوراق یا صاحبان اراضی مزبور وبا توسط دولت شرکت تحصیل خواهد کرد در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که برای ازخ متعارفی اراضی متنازه مجاور مطالبه نمایند برای تأدی اراضی مذکور منظور می شود شرکت از سهم آنها دارد و مآخذ قرار داده بشود.

ه - امتیاز تاربخ و عملیاتی که جنبه تاربخى یا صنعتی دارند و همچنین انواع آنها تا دویست مؤسسه است از مقررات مذکور منقلى هستند.

و - شرکت حق غیر اجسامی خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی له جای دیگر و از هر زمین باین منقلى بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و سنگ آهک و سنگ کچر و سنگ و مصالح ساخته انی دیگر بهر چه استفاده نماید. مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثلثی باشد باید شرکت جبران خسارات ذری العاقبت را بنماید.

**فصل ششم - آگهی آوردن**

اولینک - در سه ماهه نهم در بند وال متضمن است

اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای شرکت لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور و با توسط دولت شرکت تحصیل خواهد کرد و در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت با صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی مشابه مجاور مطالبه نمایند برای تقویم اراضی مذکور منظوری که شرکت از مصرف آنها دارد مآخذ قرار داده میشود.

پس تکلیف با این وضع مقرر و همین است که اگر کسی زمینی دارد که بدو شرکت هم مجبورند باید قیمت این زمین را مطابق معمول و متعارف اراضی همجوارش در بابت کرده باشد.

اینجا تاریخی و عملیاتی که جنبه تاریخی با صنعتی دارند و همچنین تواج آنها تا دوریت مترسافت از مقررات مذکور مستثنی هستند ؟ بسیار خوب بعد میگوید:

شرکت حق غیراصحاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی به جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و سنگ آهک و سنگ کج و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر فحش ثانی باشد باید شرکت جبران خسارات ذویالمعروف را بپردازد.

خوب اینجا هم اگر ذویالمعروف آمدند و راضی نشدند بیک قیمت آیا آن جزء بالای ماده شامل این معنی هست یعنی باز دولت مشارک میکند و رسالت میکند؟ و آیا اجازه نخواهد داد بیک آدمی که سنگ کج دارد و میخواهد از قیمت متعارف بیشتر بگیرد و راضی نمیشود بدهد در این جا هم باز دولت همانطور که در بالا نوشته شده در بند دال و سدیست و دخالت میکند؟ آیا در این مورد هم همینطور است یا نیست؟ اگر چه من میدانم همینطور است ولی ایندووضوع توضیح در مجلس برای این است که مسئله مسلم باشد در مجلس.

ولیر مالیه - بل بل همینطور است که آقا فرمودند اورنگ - رفقه الله.

وگیس - آقای ارباب کیشرو ارباب کیشرو - در قسمت الف ماده نهم که اینصورت نوشته شده:

« هر زمین بایر متعلق بدولت که شرکت برای عملیات خود در این قسم توشیحی خواستم استنداع کنیم. او بر طبق نقشه در یک محل معینی حق تصرفات دارد. منظور از اینکه اینجا بطور کلی در تمام ایران گفته شده است هر زمین را خواست انتخاب کند چیست؟

ولیر مالیه - اگر ترفیقای که در ابتدای لایحه شده است ملاحظه بفرمایید آنجا همین شده است که حدود مجموع عملیات تجاری و فنی و غیره که حق به کیبانی داده میشود کمیست بطوری که در آنجا همین شده شرکت حوزه امتیازش محدود است لکن در قسمت های دیگر ملکیت عتاج باشندن ابار می شود جاهائی لازم دارد مثل اینکه الان شرکت نفت جنوب حوزه امتیازش بیک جای همین محدود است ولی در جا های دیگر آسیاب دارد ابار دارد همین حال هم برای اینجا پیدا خواهد شد.

وگیس - ماده ده  
عملیات شرکت در ایران بطریق ذیل محدود میشود.

۱ - ساختمان هر خط آهن و هر بندر موقوف حصول موافقت قبل بین دولت و شرکت خواهد بود.  
۲ - اگر شرکت مایل باشندن سرویس تلفن و تلگراف و تلگراف بی سیم و هوا پیمائی باشد باید قبل موافقت دولت را در اینخصوص جلب کند.  
اگر دولت برای دفعه علی یا در موقع پیش آمدهای فرق العاده دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه شرکت پیدا کند. تنهد میتواند حتی الامکان کفر موجب تضییع عملیات شرکت بشود. و نیز خسارانی را که از این حیث متوجه شرکت میگردد بطور حفاظت چیران نماید.

وگیس - ماده یازده:

ماده یازدهم  
الف - شرکت مجاز است که بدون تحصیل پروانه خصوصی آنچه را که منحصرأ برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق کمرکی و مالیاتیهای معمولی حین ورود را بپردازد.

شرکت نمایر لازمه را انخاذ خواهد نمود که اجناس وارده بانفخاس غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار بگردد.

ب - شرکت بدون تحصیل پروانه خصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه های را که برای مرضخانه ها و مطب های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و ادویه ها و اجناس مذکوره در موقع ورود از تادیه حقوق کمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و شهر داری یا ممالف خواهد بود.

ج - بدون تحصیل هیچگونه پروانه ای وبدون پرداخت هیچ نوع حقوق کمرکی و مالیات و عوارض بدولت و شهر داری ها شرکت حق خواهد داشت آنچه را که منحصرأ برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید.

د - صدور محصولات فنی از پرداخت حقوق کمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و شهر داروها معاف خواهد بود.

وگیس - آقای اورنگ  
بل وگ - بنده این توشیحی را که می طلبم شاید با یک حدی اطمینان دارم که اینمقررات بین دولت و یکشرکت که امتیازی میگیرد هست و لکن در اینماده مقرراتی را دولت وضع کرده است. اسف برای اینکه با اینشرط شرکت مجاز باشد يك اشیا را وارد کند و آن چیزهایی را که باصطلاح برای خودک است در وقت ورود حقوق کمرکی را ندی لورود بدهد و آنچه که برای اعمال فنی است اینماده هم از حقوق کمرکی معاف باشد منظر همه این هم صحیح است. حالا اگر از این شرطی که در این جا شده است که این ادویه و ادوات جراحی و این خوراکی ها که باید منحصرأ

برای مستخدمین خودش باشد سوء استفاده کرد خواستم ببینم درصورت يك چیزی مقرر شده که اگر اینطور باشد و اسبابی مثلا وارد کرد و بدینکار فروخت چلوگیری بشود و يك همچو اوشیحی لازم است یا نه؟  
ولیر مالیه - اگر کسی سرکب چنین عمل بشود البته متصدی این کار سرکب تاچنان شده است و مطابق مقررات مملکت تعقیب خواهد شد. (صحیح است)

وگیس - ماده دوازده  
ماده دوازدهم  
الف - شرکت و مستخدمینش از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهند بود.

ب - دولت در حدود قوانین و مقررات کشوری همه نوع تسهیلات ممکنه را برای عملیات شرکت مجذول خواهد داشت

ج - هرگاه دولت درحوزه امتیازیه بانفخاس دیگری امتیازانی برای بکار انداختن سایر معادن اعطاء کند باید وادار نماید که احتیاطات لازمه را بعمل آورد که عملیات آنها بهؤساست و عملیات شرکت خسارنی وارد سازد

د - شرکت مکلف است منطقیه را که برای ساختن خانه و دکا کین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تسبیت کند تا دولت بتواند اهل را مسیوق و ازسکونت درآن محل منع نماید

وگیس - ماده سیزده  
ماده سیزدهم  
شرکت ملزم نخواهد شد که هیچ آسمنی از وجوه خود و خصوصاً در آمد حاصله از فروش صادرات خود را بیول ایرانی تبدیل نماید.

مستخدمین خارجی شرکت مجاز خواهند بود که اسامی را که بایش حقوق خود در یافت میدارند صادر نمایند.

وگیس - ماده چهارده  
ماده چهاردهم  
الف - شرکت راجع بعملیاتی که مطابق این قرارداد در

ایران متنباید جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تامین صرفه جوئی و استفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن تحت الارضی نفت و برای استفاده از امتیاز خود بطوریکه مطابق آخرین تفرقات علمی وقت باشد بخصکار خواهد برد.

ب - هرگاه در حوزه امتیاز مواد معدنی غیر از نفت و بیشه ها و جنگلهای متملکی بدولت موجود باشد شرکت نمیتواند آنها را بکار انداخته و استفاده نماید و مانع عملیات و استفاده دیگران نباشد (مشروط بر اینکه مقررات جزو (ج) از ماده (۱۶) رعایت شود). ولی در صورتیکه مواد معدنی بیشه و جنگلهای مذکور برای نجس و استخراج نفت لازم باشد شرکت با پرداخت قیمت عادل بدولت حق استفاده از آنها را خواهد داشت.

ج - کلیه مخربانی که منجر بکفخت نفت نکشته و آب یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا میشود باید برای دولت حفظ شود و لورا شرکت دولت را از کفشت مزبور مطلع سازد و دولت هر چه زودتر ممکن باشد بشرکت نماید خود را نسبت بصرف مخربان مزبور اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف آنها دولت مراثیت خواهد کرد سکه مانع عملیات شرکت نشود

رئیس - ماده پانزده

ماده پانزدهم

شرکت نهاد مینماید هر موقعی که نماینده دولت تقاضا کند در مدت مناسبی بخرج خود - سوادهای صحیح از تمام طرحها و نقشهها و روسها و سایر مدارک و اسناد راجع بوضعیت سطح الارض و طبقات الارضی و حفر چاهها مربوط به حوزه امتیازیکه که موجود دارد وزارت مالیه بدهد بملازمه در تمام مدت امتیاز شرکت تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران بدست آورده بدولت ارسال خواهد داشت تمام اسناد و مدارک مزبور را دولت بعنوان دخرمانه تلقی خواهد نمود

رئیس - ماده شانزده

ماده شانزدهم

الف - دولت بهیول خود در هر موع مناسبی حق خواهد داشت امر تقشیش عملیات فنی شرکت در ایران بحدود و برای اجرای این مقصود از اهل خیره و متخصصین فنی و مادی درستی بکاربرد.

ب - شرکت تمام مدارک و اسناد مربوط باطلاعات علمی و فنی و تمام مؤسعات و وسایل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس مامورین خیره و متخصصین دولت خواهد گذارد و بملازمه مامورین مزبور در تمام ادارات شرکت و در تمام خاله ایران حق تحصیل هر گونه اطلاعاتی را خواهد داشت.

رئیس - ماده هفده

ماده هفدهم

بعد از شروع بصادرات نفت بمقدار تجاری دولت حق تعیین بکنترل نماینده را خواهد داشت ولاینده مزبور (مامور دولت شاهنشاهی) نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت.

۱ - اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام شرکت است از شرکت تحصیل نماید.

۲ - در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل راجع بروابط دولت و شرکت تشکیل شده باشد حضور بهرساند

۳ - کمیته ای را که شرکت بصد تویج اعتبار مذکور در ماده ۱۸ و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در امریکا تشکیل میدهد بستم رسمی و حق رای قاطع ریاست نماید

۴ - تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره هر وقت که لازم بداند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد مینماید تشکیل گردد.

جلسات مزبور در مدت پانزده روز بعد از وصول تقاضای کتبی بنشئ شرکت تشکیل خواهد شد

شرکت بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور سالیانه دوازده لیره استرلینگ بدولت خواهد پرداخت

دولت کتباً شرکت را از تعیین نماینده مزبور بواجبتین او مطلع خواهد ساخت

رئیس - ماده هیجده

ماده هیجدهم

۱ - طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصل که مدار اجرایی ابتکار اراد مینماید است که در منافع طرفین حفظ حد اعلائی منتج بویون و صرفه جوئی در اداره و عملیات شرکت در ایران ضرورت عالی دارد

۲ - مسلم است که شرکت مستغنیان و مستخدمین فنی و تجاری خود را بمانند های که اشخاص فنی صلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد.

و این نیز مسلم است که مستخدمین تجری فنی شرکت مستحق از اتباع ایران خواهند بود

۳ - طرفین موافقت مینمایند در این طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی در کرتا ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگذارند

۴ - بعد از تاریخ شروع بصادرات نفت بمقدار تجاری شرکت سالیانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در امریکا علوم و فنون مربوطه بصناعت نفت را فرا

گیرند در اختیار خواهد داد اعتبار مذکور بوسیله بانک کبته ای که مطابق ماده ۱۷ تشکیل میشود بصراف خواهد رسید

رئیس - ماده نوزده

ماده نوزدهم

شرکت تشکیلات و مخارج تأسیسات و تقشیش و اداره وسایل سعی و سخت عمومی را مطابق جدید ترین

طریقه بپردازد معموله در ایران در تمام اراضی و آبیه و مسکن اعشاء و عجلجات که در حوزه امتیاز کار میکنند بدهد میگردد.

رئیس - ماده بیست

ماده بیستم

هر وقت شرکت اسباب جدیدی در معرض فروش عمومی میگردد باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراک آرا در همان موع

که در سایر نقاط شروع می شود در تهران نیز برقرار نماید.

رئیس - ماده بیست و یک  
ماده بیست و یکم  
بعد از شروع باستخراج نفت شرکت برای احتیاجات داخلی ایران و از آن جمله احتیاجات دولت بنزین (Motor spirit) و نفت لامپ (Kerosene) و مازوت (Fuel oil) که از نفت ایران حاصل می شود بر اساس ذیل خواهد فروخت.

الف - در اول زولن هر سال کمیته ای (فوب) دولتی را راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدن تقشیشات (فوب) خلیج مکزیک و راجع بهر يك از مواد مذکور نسبت بمدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل مین خواهد کرد.

ب - کمترین معدل های مذکور اختیار و (اساس قیمت ها) برای سال که از اول زولن شروع میگردد قرار داده میشود.

قیمت های اساسی بمنزله قیمت در صافیه خانه تلفی می گردد.

ب - شرکت بنزین و نفت لامپ و مازوت را بترتیب ذیل خواهد فروخت

(۱) بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش ب دیگران مطابق (قیمتهای اساسی) مذکور در جزوه (الف) فوق با تخفیف بیست و پنج در صد (۷۵٪)

۲ - بسایر مصرف کنندگان مطابق همان (قیمت های اساسی) با تخفیف ده در صد (۹۰٪)

ج - شرکت حق دارد که به قیمت های اساسی مذکور در جزوه (الف) مخارج واقعی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر عملیات مزبور را بپردازد.

د - دولت صادر کردن مصولات فنی را که مطابق

مقررات فوق شرکت فروخته است لیکن خواه کرد  
ولجس - ماده بیست و دوم :

ماده بیست و دوم

۱ - الف - در مدت ده سال آخر امتیاز و پس در  
فاصله در سال پس از اطلاع قبلی که راجع به ترك امتیاز  
مطابق ماده ۲۴ داده میشود شرکت جز بشرکت های  
غیر خود حق فروش یا انتقال يك با چندین قسمت از  
اموال غیر منقول خود را که در ایران است ندارد در مدت  
های مذکور نیز شرکت حق انتقال و خارج کردن هیچ  
قسمتی از اموال منقول خود را ندارد مگر اینکه اشیاء  
مزبور در اختیار اشخاص افتاده باشد.

ب - در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ  
قطعه از اراضی را که شرکت مجازاً از دولت تحصیل کرده  
است نمیتواند انتقال دهد و همچنین هیچیک از اموال  
منقول خود را نیز استثنائی آنچه غیر مبدوع و یا اینکه دیگر  
مورد احتیاج عملیات شرکت در ایران نیست (جز در  
مورد بند (۲) از ماده (۲۴) نمی تواند از ایران  
خارج نماید

۲ - در خانه امتیاز خواه بواسطه انقضای عادی مدت  
و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارایی  
شرکت در ایران بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ  
تخریب و تفریدی منطبق بظوابط ایران میگردد.

۳ - جمله (تمام دارائی) مشتمل است بر تمام اراضی  
و آبیه و کارخانها و ساختمانها و سایر اشیاء و سند های  
دریایی و راهها و لوله های حل نفت و پول ها و رشته  
نقشب های فاضل آب و وسایل توزیع آب و ماشین ها و  
موسسات و تجهیزات (از آن جمله آلات و ادوات) از  
جز قبیل و تمام وسایط نقلیه (مثلاً از قبیل اتومبیل و  
آگروبلان) و تمام اجناسی الیاز شده و سایر اشیائی که  
شرکت در ایران برای اجزای این امتیاز از آن استفاده  
می نماید.

ولجس - آقای شاهرودی

۳ - اگر ترك امتیاز بعد از مدت ۱۷ سال اول واقع  
شود . بعد از انقضای دو سال مهلت مذکور در بند (۱)  
این ماده کتبه دارائی شرکت در ایران ( بطوریکه در  
قیمت ۳ ماده ۲۲ تصریح شده ) مجازاً و بدون هیچ گونه  
قبضی بطور سالم و قابل استفاده ملك دولت خواهد شد و  
شرکت در آینده از هر گونه تعهدی بری خواهد بود.

چنانچه شش ماه بعد از انقضای مهلت مذکور در فوق اختلاف حاصل شود بطریق حکمیت  
مذکور در ماده (۲۷) فیصله خواهد یافت

ولجس - ماده بیست و پنجم

ماده بیست و پنجم

این امتیاز برای مدت شش ساله که ابتدای آن از تاریخ  
تصویب شروع می شود بشرکت اعطاء می گردد قبل از تاریخ  
انقضای مدت این امتیاز نمی تواند خانه پیدا کند مگر  
در موارد ذیل:

اول -

در موردی که شرکت بر طبق ماده (۲۴) امتیاز را  
ترك نماید

ثباً - در مورد بند (د) از ماده (۴)

ثالثاً - اگر حکمیه حکمیت بر اثر ارتکاب تخلفی نسبت به  
اجرای مقررات این قرارداد ابطال آرا اعلام بدارد.

تلف به معنی مذکور در فوق منحصر به موارد  
ذیل است:

الف - هرگاه مبلغی که بحسب رأی محکم حکمیت  
باید بدولت پرداخته شود تا يك ماه بعد از تاریخ صدور  
رأی تأخیر نگردد

ب - هرگاه مصمم بر انحلال اختیاری و یا اجباری  
شرکت گرفته شود.

ج - هرگاه ثابت شود که شرکت برخلاف مصالح  
عمالی کشور عمل کرده است

در مورد سایر تخلفات که نسبت بهقرارات این قرارداد  
از هر يك از طرفین ناشی شود محکم حکمیت درجه مسئولیتها  
و اثرات مرتبه بر آن را تعیین خواهد نمود.

هر نوع انتقال این امتیاز مشروط بشروط دولت است  
ولی در صورت شرکت متممات تکذکار اکثریت سهام  
آن بدست غیر ایرانی و یا غیر ایرانی بیقصد هیئت مدیره  
شرکت باید همیشه امریکائی و یا ایرانی باشد.

ولجس - آقای اورنگ

اورنگ - در ذیل این ماده دارد هر نوع انتقال این  
امتیاز مشروط بشروط تصویب دولت است ولی در صورت شرکت  
تتمت است تکذکار اکثریت سهام آن بدست غیر امریکائی  
و یا غیر ایرانی بیقصد هیئت مدیره شرکت همیشه باید  
امریکائی و یا ایرانی باشد.

معنی این چیز این است که پنجاه و يك در صد سهام  
همیشه به ایرانی و امریکائی داده شود ولی هیئت مدیره را  
فرض کنیم وقتی که پنجاه و يك در صد سهام را ایرانی ها  
دارا باشند آنوقت شرکت هم مجاز است که از ایرانی ها  
اختیار کند و در صورتیکه امریکائی ها اکثریت سهام را  
داشته باشند از امریکائی ها انتخاب کند . من عرض این  
است اگر اینطور شد و بنا بر این اگر اینطور هم شد چهل  
و هفت در صد ایرانی بود و پنجاه و دو در صد امریکائی بود  
آیا مقدور و بهتر این بود که شرکت مجبور باشد هیئت عامله  
را از ایرانی و آمریکائی تشکیل بدهد ؟ و حال آنکه در اینجا  
ما برای او اختیار قائل شده ایم.

ولجس - همانطور که آقا خیال می کنید که  
عرب است باشد هست . همیشه میدانید هیئت رقیبه يك  
شرکتی را اکثریت صاحبان سهام آن معین می کنند اگر  
بنا بشود اکثریت این سهام را ایرانیان و امریکائیها داشته  
باشند به تناسب آن عده ای که مورد حاجت هستند هیئت  
مدیره را انتخاب می کنند با نظر خودشان بنا بر این  
انتقالی ندیدند.

ولجس - آقای چندینی

چندینی - بنده میخواستم از آقای وزیر مالیه این  
سوال را بکنم - اینجا نوشته است اکثریت سهام آقا  
بدست غیر ایرانی و غیر امریکائی بیقصد لابد باید مقصود  
انازاری باشد . این مطابق امریکائی نوشته است



**ولفر عالیه** - همین طور است. در چند جای ایراد امتیاز ذکر شده است امریکائی البته باین قصد است که امریکا با معنی خاص کلمه یعنی دول متحده شمالی امریکا است.

**ولیس** - آنگاه ارباب کبکسرو

**ارباب همیسرو** - در این قسمت مؤخر ماده نوشته شده است هیئت مدیره شرکت باید همیشه ایرانی و با امریکائی باشند بنده اینجور می فهمم که با باطل و قطع همان شان ایرانی باشد با امریکائی و حال آنکه آنگوا منظور این باشد که ممکن است از امریکائی و ایرانی مخلوط باشند این را خوبست توضیح بدهند که قدری واضحتر باشد و تولید سوء تفاهم نشود

**ولفر عالیه** - بنده تصور نمیکند در این ماده يك ابهامی باشد وقتی همین طور که توضیح داده ام که باسقی امریکائی بود از ایرانی ها انتخاب میشود و اگر دست امریکائیها بود از آن ها اگر غیر دو تالیشان رأی داده خوب البته از هر دو شان خواهند بود. بنا بر این چون هر دو رأی دارند باسقی هیئت مدیره شان از هر دو باشد.

**ولیس** - ماده ۲۶

ماده بیست و ششم

هر تغافل یا غفلت و قصوری از طرف شرکت راجع به اجرای تعهدات و مقررات و شرایط این قرارداد که ناشی از فرس ماژور باشد به دولت حق نخواهد داد شرکت را و تعقیب و آن را متعلق از این قرارداد محسوب دارد. اجزای هر يك از مقررات این قرارداد که در از فرس ماژور بتأخیر افتد موجب این خواهد شد که مدعی مساوی مدعت تأخیر به مدتیکه برای اجرای تعهد شرکت ملحق این قرارداد لازم است اضافه شود بملازم هرگاه که مدعت تأخیر خسارانی وارد شده و برای ترمیم آن نیز مدعی لازم باشد مدعت مزبور هم بر مدعت های فوق اضافه می گردد.

مموتها بن طرفین مقرراته که مدعت مذکور در ماده (۲۵) این قرار داد بهیچوجه تعدید نخواهد شد مگر در صورتی که استخراج و صادرات نفت شرکت برای لااقل نصف روز متوال بعلت فرس ماژور که در داخله ایران روی داده متوقف شده باشد

اختلافات حاصله بین دولت و شرکت نسبت به مورد فرس ماژور بطریق حکمیت مذکور در ماده (۲۷) فیصله خواهد یافت.

**ولیس** - ماده بیست و هفت

ماده بیست و هفتم

الف - هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و خصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیتهای مقرر در آن و هم چنین هر اختلاف نظر در مواردی که بموجب این امتیاز نامه محتاج توافق نظر طرفین است بطریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد.

ب - طرقی که تفاضای حکمیت میکنند باید تفاضای خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید. طرفین هر يك يك حکم معین نموده و حکمیت قبل از شروع به حکمیت يك حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد هرگاه حکمیت نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق حاصل نمایند حکم مزبور را به تفاضای یکی از طرفین ولیس دیوان داوری دائمی بین المللی تعیین خواهد نمود و چنانچه ولیس دیوان داوری دائمی بین المللی از حیث تأیید و تأییدت مطابق جزو (ج) - حائز شرایط لازم برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب ولیس دیوان مزبور معین خواهد شد.

ج - حکم ثالث باید از ملت ایران و با امریکا باشد و بملازم ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با ممالک متحده امریکا از حیث تعلق بیکی از استقلالک یا ممالک متحده الحمايه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومت و ممالکی که بوسیله یکی از ملکتین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبور بوده و یا میبایست نداشته باشد.

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تفاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آن را بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از ولیس دیوان داوری دائمی بین المللی (یا از نایب ولیس در موردی که مطابق لست اخیر جزو (ب) پیش بینی کرده) تفاضا نمایند که يك حکم منفرد فیصلاحت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کنند و در صورت اختلاف قبلمعین بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید.

ه - اصول عاقدت در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داوری دائمی بین المللی معمول و جاری است.

وقت محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو (د) معین خواهد کرد.

و - رأی حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده (۳۸) اساسنامه دیوان داوری بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود.

ز - مخارج حکمیت بنحوی که در رأی حکمیت معین می شود تأدیبه خواهد گردید.

**ولیس** - آنگاه اورنگ

**او دلک** - در این ماده ۲۷ نوشته بند (ب) طرفی که تفاضای حکمیت می کند باید تفاضای خود را به طرف دیگر کتباً ابلاغ نماید. طرفین هر يك يك حکم معین نموده و حکمیت قبل از شروع به حکمیت يك حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد هرگاه حکمیت نتوانند در ظرف دو ماه نسبت بتعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند حکم مزبور را به تفاضای یکی از طرفین ولیس دیوان داوری دائمی بین المللی از حیث ملث و تأییدت مطابق جزو (ج) - حائز شرایط لازم برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب ولیس دیوان مزبور معین خواهد شد - حالاً ما این روشی را که کردیم در این ماده برای خاطر اینکه باید ولیس دیوان حائز این شرایطی که ما می خواهیم باشد

فرس می کنیم ایرانی باشد ما می خواهیم باشد یا فرس می کنیم امریکائی باشد ما نمی خواهیم اگر نایب هم همین طور شد آنگاه چه باید کرد پس خوبست بکنوشی می بدهند که درین صورت تکلیف معلوم باشد.

**ولفر عالیه** - در این جا برای ولیس معین شده اگر حائز شرایط نبود نایب ولیس معین کنند و اگر نایب ولیس هم نبود البته روی همان اصل راجع با وحل می شود و در غیر این صورت اگر هر دو شان حائز شرایط نبوده و نتوانند توافق بروی همان اصل ما اگر می آمدیم می گفتیم که فلان شغل و فلان مقام دیگری که دارای فلان شرایط است توسط او به عمل بیاید بنا بر همان اشکال آن جا وارد می آمد بنا بر این ما کتابت مفصل نخواستیم بنویسیم خواستیم يك اصل را معین کنیم ولیس را گفتیم اگر اینطور شد نایب ولیس انتخاب کنند اگر آمدیم هم ولیس و هم نایب ولیس هر دو از اتباع ایران و یا یکی از ایران و یا یکی از امریکا و در هر صورت دارای يك جهتی بودند که به آن جهت ممکن نبود آن ها انتخاب شوند آنگاه بایشی روی همین اصل دیوان داوری قطع یارک نفر دیگری رجوع کنند یعنی خلاصه ولیس باید این کار را بکنند نایب ولیس ولی تمام ایراد پیش بینی ها را ضرورت ندانست

اینجا معین کرده باشیم.

**ولیس** - ماده ۲۸:

ماده ۲۸ - متنتی در ظرف شصت روز بعد از تاریخ تصویب شرکت باید اقدامات خود را در طهران معلوم و مشخصه سمت نمایندگی از طرف شرکت را خواهد داشت معین نماید.

**ولیس** - ماده ۲۹:

ماده ۲۹ - این قرار داد پس از تصویب مجلس و توضیح آن از طرف اعلیحضرت هماهنگی قابل اجرا میگردد این قرار داد در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۳۷ منعقد گردید.

پرنکل

خطی که مواضع مذکور در بند (الف) از ماده (۲)

فرار داد امضا شده در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۳۷ و احدیدین مینامید و در روی قبله متنش به فرار داد مزبور رسم گردیده است از نقاط ذیل عبور مینماید .

بندرشاه - کردمحله - دامغان - ریشم - چندق - اوردوب - حوض میان تک - به آبد - کاشیت - قهروج - ایرانشان - ناسرحد این پروکل جزء لا ینفک فرار داد مذکور در فوق میباشد .

تهران یثاریخ ۹ ژانویه ۱۹۳۷

شهبیه فرار داد نفت

۹ ژانویه ۱۹۳۷

جناب آقای داور وزیر مالیه  
با کمال اقتدار توضیحات ذیل را راجع بمورد (فورس ماژور) مذکور در ماده ۲۶ فرار داد راجع بامتیاز نفت که در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۳۷ امضاء گردیده است می دهد .

شرکت مکلف است هر واقعه و اکه بنظر شرکت (فورس ماژور) باید حساب شود منتهی در مدت دو هفته از تاریخ وقوع بوزارت مالیه در طهران اطلاع دهد و دولت در مدت شصت روز از تاریخ دریافت اخبار به مذکور شرکت را کتیباً از نظر خود راجع بواقعه مستحضر خواهد داشت . سکوت دولت در مدت مذکور بدین معنی تلقی خواهد شد که دولت نظر شرکت را راجع بفورس ماژور قبول ندرده است .

بالمس هر گاه شرکت عمداً و یا سهواً در مدت دو هفته مذکور در فوق بولت اخباری نکرد دولت ملزم نخواهد بود واقعه را فورس ماژور تلقی نماید . موقع واقعه منقش شده احترامات ذلته را تقدیم میدارم .

۹ ژانویه ۱۹۳۷

آقایان شارل کارلر هارت و

فردریک کاردر کلاب

آقایان :

بنام دولت مقبوعه خود و سول مر اسله مورخ امروز

وزارت مالیه باید قبلاً بانسجیل و تصویب دیوان محاسبات باشد از این جهت قبل از تاریخ منقش بیهن لازم است که آن عده انتخاب شوند این است که نامی میکنم آقایان موافقت فرمایند در همین جلسه انتخاب اضافه بعمل آید .

**[۴- انتخاب دست و چهار نفر برای تعیین اعضاء دیوان محاسبات]**

ریاست مجلس شورای ملی

چون مدت قانونی خدمت اعضاء دیوان محاسبات که بموجب قانون مصوب ۸ بهمن ماه ۱۳۱۷ انتخاب شده اند در هتمن بهمن ماه ۱۳۱۵ منقضی خواهد شد اینک طبق ماده سوم قانون ۲۴ دیماه ۱۳۱۲ صورت اساسی (۳۶) سی و شش نفر اشخاصی که برای عضویت دیوان مزبور در نظر گرفته شده بشمیجه تقدیم و نامی دارم ۲۴ نفر ازین

آنها را برای عضویت چهار شعبه دیوان محاسبات انتخاب فرماید - توضیحاً مورد مرض میشود که در ماده ۳ قانون فوق الذکر معرفی بیست و هفت نفر و انتخاب جدید نفر ازین آنها پیش بینی شده حال که طبق اختیارات حاصله بموجب قانون شهر بهور ماه ۱۳۱۳ یک شعبه بر شعبات سه گانه پیش بینی شده در قانون ۲۴ دیماه ۱۳۱۲ افزوده شده است بانبجعه عده پیشنهادی به سی و شش نفر بالغ گردیده است .

۱ - آقای محمد مهدی عروی ۲ - آقای شمس الدین جلالی ۳ - آقای عزت الله اردلان ۴ - آقای احمد انزلی ۵ - آقای مصطفی کاظمی ۶ - آقای محمد محتاج ۷ - آقای محمود کاظمی ۸ - آقای حسن ناصر ۹ - آقای ابر القاسم هابرون فر ۱۰ - آقای مهدی هابرون فر ۱۱ - آقای جواد سنبلکی ۱۲ - آقای محمد برزین ۱۳ - آقای حسین الهی ۱۴ - آقای سراهه صبا ۱۵ - آقای ابراهیم کاردار ۱۶ - آقای نفی پیشش ۱۷ - آقای هاشم صبا ۱۸ - آقای ابوالحسن مستوفی ۱۹ - آقای محمود ترجمان وگونی ۲۰ - آقای عبدالله خورشید ۲۱ - آقای منوچهریان ۲۲ - آقای محمد علی کرکانی

ریاست مجلس شورای ملی  
چون مدت قانونی خدمت اعضاء دیوان محاسبات که بموجب قانون مصوب ۸ بهمن ماه ۱۳۱۷ انتخاب شده اند در هتمن بهمن ماه ۱۳۱۵ منقضی خواهد شد اینک طبق ماده سوم قانون ۲۴ دیماه ۱۳۱۲ صورت اساسی (۳۶) سی و شش نفر اشخاصی که برای عضویت دیوان مزبور در نظر گرفته شده بشمیجه تقدیم و نامی دارم ۲۴ نفر ازین آنها را برای عضویت چهار شعبه دیوان محاسبات انتخاب فرماید - توضیحاً مورد مرض میشود که در ماده ۳ قانون فوق الذکر معرفی بیست و هفت نفر و انتخاب جدید نفر ازین آنها پیش بینی شده حال که طبق اختیارات حاصله بموجب قانون شهر بهور ماه ۱۳۱۳ یک شعبه بر شعبات سه گانه پیش بینی شده در قانون ۲۴ دیماه ۱۳۱۲ افزوده شده است بانبجعه عده پیشنهادی به سی و شش نفر بالغ گردیده است .

۱ - آقای محمد مهدی عروی ۲ - آقای شمس الدین جلالی ۳ - آقای عزت الله اردلان ۴ - آقای احمد انزلی ۵ - آقای مصطفی کاظمی ۶ - آقای محمد محتاج ۷ - آقای محمود کاظمی ۸ - آقای حسن ناصر ۹ - آقای ابر القاسم هابرون فر ۱۰ - آقای مهدی هابرون فر ۱۱ - آقای جواد سنبلکی ۱۲ - آقای محمد برزین ۱۳ - آقای حسین الهی ۱۴ - آقای سراهه صبا ۱۵ - آقای ابراهیم کاردار ۱۶ - آقای نفی پیشش ۱۷ - آقای هاشم صبا ۱۸ - آقای ابوالحسن مستوفی ۱۹ - آقای محمود ترجمان وگونی ۲۰ - آقای عبدالله خورشید ۲۱ - آقای منوچهریان ۲۲ - آقای محمد علی کرکانی

۲۴ - آقای جلال نبیج ۲۵ - آقای محمد علی وارسته ۲۶ - آقای حسن کوثر ۲۷ - آقای حسین نبیایی ۲۸ - آقای حسین عمید ۲۹ - آقای احمد علی ۳۰ - آقای بهمن محمودی ۳۱ - آقای حسن فریب ۳۲ - آقای فرخ صبا ۳۳ - آقای محمد پروتضی ۳۴ - آقای شمس الدین سیکار ۳۵ - آقای حسن مهر آردان ۳۶ - آقای حبیب الله طاهری رئیس - برای انتخاب ۲۴ نفر از این آقایان اخذاری میشود .

قبلاً برای استخراج آراء پنج نفر بقرعه انتخاب میشوند که بیا یک نفر از آقایان اعضاء هیئت رئیسه آراء را استخراج نمایند و همین امروز خواست میکنم اینکار را بکنند که نتیجه بوزارت مالیه اطلاع داده شود

(انتزاع بعمل آمد آقایان ذیل همین کردید)

آقای زوار - آقای دکترکنک - آقای شاهرودی - آقای منوی - آقای حزمه نانی رئیس - آقای سبسی هم از طرف هیئت رئیسه همین می شوند که اینکار را انجام بدهند . آقای دکتر طاهری - چون این لایحه امتیاز نفت شور اولش تمام شده برای ورود در شور دومش لازم است از طرف مقام ریاست یک رالی گرفته شود و بعد جلسه ختم شود

رئیس - لایحه تمام نشده لایحه دیگری شهبیه است وقتی که تمام شد یک مرتبه رای گرفته میشود

رئیس - آن لایحه اولیه تمام شد این لایحه دیگری است

رئیس - چون خبرگیسیون یکی بود باینواسطه خواستیم یک مرتبه رای گرفته شود حالا رای می گیریم آقایان که موافقت با ورود در شور دوم دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایان که بقرعه انتخاب شده اند

حالا تشریف ببرد در عراج مجلس و آراء و استخراج نمایند و چون آقای وزیر مالیه تشریف دارند نتیجه را به اطلاعاتشان برسانند.

**وزیر مالیه** - بنده خواستم يك لغتنامه بكنم اگر قبول باشد. در ضمن اينكه آقایان استخراج ميكنند كه نتیجه در را در مجلس اعلام كنند ممكن است آن لايحه دومي را چند ماهه انشأ و بپوشاند و بنده شايه بماند براي جلسه بعد

**رئيس** - آقای مؤيد احمدی  
**مؤيد احمدی** - اگر آقای وزير مالیه موافقت فرمائيد براي اينكه وقت ناه نشود چند فقره خبر كميونيت عرايش و مرخصی است آفرانت شود

**وزیر مالیه** - بسیار خوب قرأت شود

**۵ - تصویب سه فقره مرخصی**  
**رئيس** - چند فقره خبر از كميونيت عرايش و مرخصی رسیده قرأت ميشود

**خبر مرخصی آقای دستياني**

آقای دستياني بواسطه ابتلاء بمرض سياه سر له بوجوب تصديق آقای دكتر علاء ۱۵ روز از تاريخ ۱۹ آذر از حضور در مجلس معذور بوده اند كميونيت عرايش عنبر ايستان را موجه دانسته با بزرده و روز مرخصی ايستان موافقت نموده خبر آن را تقديم مینماید

**رئيس** - رای گرفته ميشود بمرخصی آقای دستياني

آقایان موافقت قيام فرمائيد

(عده زيادى قيام نمودند)

**رئيس** - تصویب شد.

**خبر مرخصی آقای دكتر قزل باغ**

آقای دكتر قزل باغ بوجوب تصديق سفارت شاستهاى و تحقيقات ديكرى كه بعمل آمده است در مريضخانه دولتي برن هنوز تحت مجالجه هستند و در اول ديه ماه علاوه بر عمل كه سابق نموده اند يك عدل هم در مريضخانه موده اند كه چندين هفته بايد براي آن عدل در مريضخانه بمانند و اخيراً بذات لايحه هم ميتلا شده اند و در نتیجه بايد مدت مديد ديكرى تحت مجالجه باشند و چون مرخصی سابق

ب - اوله اصل نفت شامل يك يا چند خطاره خواهد بود و ميزان تلفيت اوله ها را شركت تعيين خواهد نمود. شركت حق غير انحصارى خواهد داشت كه تصفيه خانه و مؤسسات ناميه و محل ذخيره و ساير مؤسسات لازمه براي عمليات خود ساخته و ببلاره بنظاير از زياد استافده از اوله اصلى اوله هاى فرعى ايجاد و اوله اصلى مذكورا به اوله هاى عومى و خصوصى در ايران و دره ملك مجاور انصال دهد.

**رئيس** - ماده دوم  
ماده دوم - اوله هاى نفت شركت ميتواند نفت حاصله در ايران و با افغانستان را حمل نمايند.

**رئيس** - ماده سوم  
ماده سوم - نفت را كه اوله ها حمل مينمايند بكن است متملقى بشركتها و مؤسسات ذيل باشد:

۱ - نفت متملقى بشركت نفت امريكا و ايران و با نفتيكه در افغانستان استخراج شده باشد.

۲ - نفت متملقى بشركت نفت امريكا و ايران و با نفتيكه در افغانستان استخراج شده باشد.

۳ - نفت متملقى بشركتها و با مؤسسات ديكر ايرانى يا خارجى كه در ايران حق استخراج نفت دارند و بعد از اين آنها در ايران قرار داد بيارت دموم ناميده ميشوند

ب - حمل نفت عومى تابع شرايط عومى ذيل خواهد بود:

۱ - شركت متعهد است كه نفت متملقى بموم و نا ميزان چهل در صد تلفيت اوله هاى اصلى خود بدون هيچ تفيض ماهانه حمل نمايد

۲ - نفت متملقى بموم براي حمل شدن بايد در نظاى كه شركت تعيين مى نمايد تحويل كردد. و نفت مزبور از حيث چنس و وزن مخصوص بايد ندر بيا نظير نفتى باشد كه شركت موم حمل مى نمايد. و الا شركت حق خواهد داشت از حمل آن امتناع نمايد

شركت ميتواند از مقدار نفتى كه تحويل كرفته است مقدار آب و اجرام مخمورى در آن را كه بر طبق امتحانات معمولى معين ميشود موضوع نمايد.

۳ - نفتى را كه استحصال كنندگان مختلف تحويل ميبندند ممكن است در اوله ها و مخازن شركت با يكديگر مخلوط كردند و بنا بر اين صاحبان آنها حق مطالبه عين نفت تحويل شده را نداشته اما حق استرداد مخلوط مطالبه را دارند.

۴ - شركت مسئول ضايعات نفت كه در اثر دلايع خارج از حدود اختيار و بدون تخلف خود شركت حاصل شود نمى باشد.

۵ - شركت وسایل نفتى براي چار كيرى از افروغ حريق در مؤسسات خود فراهم خواهد ساخت

۶ - شركت حق دارد قبيت حمل نفت را بياخذ كليه مخارج و اقلامى حمل و نقل ببلاره جابجايى مبادل بزرده درسد مخارج مزبور بعنوان قاينده مطالبه نمايد

مخارج و اقلامى حمل عبارتست از:

اول - مخارج و اقلامى بهره بردارى از اوله ها و منشعانات آن از قبيل حقوق و مزد كاركنان و سوخت و قوه الكتريك و نگاهدارى و تعميرات و امال الاجاره وغيره مطالبه دفاتر محاسبانى سال گذشته شركت

دوم - مخارج عومى و اقلامى ادارى شركت

سوم - مبلغى مبادل دم درسد سرمايه كه براي ساختن اوله هاى نفت شده بعنوان استهلاك سرمايه

چهارم - مخلفتى مبادل پنج درسد سرمايه اى كميونيت رسیده است پس از وضع استهلاك

۷ - شركت در ازاه عمليات ديكرى كه غير از وظايفه حمل نفت از قبيل جمع اوفى نفت - ايجاد كردن تصفيه كردن و بارگيرى نمودن دكترى و غيره انجام ميبدهد مقررهاى متناهي معين خواهد نمود

۸ - شركت ميتواند نظامته هاى واجع ترتيب حمل و نقل نفت وضع نمايد مشروط بر اينكه نظامته هاى مزبور مخالف روح اينترنار داد نباشند

**رئيس** - ماده چهارم

ماده چهارم - شركت متعهد است كه نفت متملقى بدولت

مجلس

شماره ۸۷۰

دوره دهم فنی‌بیه

مجلس

شماره ۸۶۹

دوره دهم فنی‌بیه



و مذکور در فوق بشود شرایطی را که باید چنانچه تعیین  
و مذکور گردد و در تاریخ اجرای آنرا نیز معلوم خواهد  
بود.

۴ - هرگاه در پرداخت و بالغ لازم التادیه به دولت  
و مطابق تادیههای مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه شرکت  
تاخیر بعمل آید مدت تاخیر از قرار پنج درصد (۵ / ۱۰۰)  
در سال فرع و چوه و زبور را شرکت خواهد پرداخت

۵ - قبل از انقضای سال سیام از تاریخ تصویب طراری  
نسبت به میزان مطالبی که شرکت در ازای مطالبت حاکم  
عملیات خود از هر کولت جالیات بتبع دولت و شهر دار بهادر  
بناهی مدت امتیاز باید - البته به بردارد توافق نظر حاصل  
خواهند نمود.

رئیس - ماده دوم

الف - شرکت مجاز است که بدون تعجیل پروانه مخصوص  
آنچه را که منحصراً برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود  
لازم دارد وارد کرده و حقوق کبرکی و مالیاتهای معمولی  
چین ورود را بپردازد.

شرکت تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس  
وارد با شخصی غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار  
نگردد.

ب - شرکت بدون تعجیل پروانه مخصوص حق خواهد  
داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه ای  
و آنچه برای مرتجعان - ها و طبیب های خود در ایران  
لازم دارد وارد نماید و اشپام و اجناس مذکوره در موقع  
ورود از تادیه حقوق کبرکی و هر نوع مالیات و عوارض  
بدولت و شهر داری ها معاف خواهد بود.

ج - بدون تعجیل هیچگونه پروانه ای بدون پرداخت  
هیچ نوع حقوق کبرکی و مالیات و عوارض بدولت و شهر  
داری ها شرکت حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً  
برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید.

د - صدور محمولات نفتی از پرداخت حقوق کبرکی  
و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و شهر داری ها معاف

خواهد بود.

[ ۷ - اعلام نتیجه انتخاب اعضاء دیوان محاسبات ]

رئیس - در واقع رأی نسبت بلاوجه انتخاب اعضاء  
دیوان محاسبات عدم حاضر ۱۰۸ نفره از آراء ۱۰۶ و در  
سند ۵ و صورت آقایی که اکثریت داشته اند قرائت  
می شود

مقام ریاست مجلس

در تاریخ چهارم بهمن نتیجه استیضاج آراء انتخاب  
اعضاء دیوان محاسبات بشرح ذیل است:

۱ - شمس الدین جلالی (۹۲ - ۲) محمد مهدی محوی  
(۸۸ - ۳) احمد اشرفی (۸۸ - ۴) محمد مفتاح (۸۸ - ۵)

۳ - ناصر (۸۷ - ۶) ابو القاسم (۸۷ - ۷) محمد علی  
مطهری (۸۶ - ۸) نصرالله صبا (۸۶ - ۹) تقی بیشر

۸۶ - ۱۰) ابو الحسن - منوچهر (۸۶ - ۱۱) محمد علی  
کرکاسی (۸۶ - ۱۲) حسین الهی (۷۶ - ۱۳) حسن کولر

(۸۶ - ۱۴) حسن فرحب (۸۶ - ۱۵) لرخ صبا (۸۶ - ۱۶) عزت الله  
اردلان (۸۵ - ۱۷) جوان - بنکی (۸۵ - ۱۸) ابراهیم کاردار (۸۵

۱۹) - حسین - عابد (۸۵ - ۲۰) یحیی - محمدوی (۸۵  
۲۱) محمد پروش (۸۵ - ۲۲) محمد برزین (۸۴ - ۲۳)

محمد علی وارسته (۸۴ - ۲۴) ابو القاسم (۸۴ - ۲۵)  
ولهر جالبه - بنده واقفاً لشکر می کنم از آقایان که

تا اینوقت هواقت فرمودند که وقفه در کار ما پیدا نهد  
و در جلسه آینده دنباله این لایحه را خواهیم گرفت و

واقفاً امروز محضراً آقای (۲۵) احمدی خیل خسته شدند  
[ ۸ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - فرمایشات آقای وزیر مالیه را چون همیشه  
برای صرفه ملک است نمی شود بتأخیر انداخت . اگر

تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز  
پنجمشنبه ۱۱ ماه بهمن سه ساعت قبل از ظهر دستور

مالیه لایحه موجوده  
( مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری